

ژورنال

شماره ۹۴۰

۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ - ۳۰ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

زندگی در مقاومت زندانیان زنده است

سیما بهاری

فرار سرمایه‌ها، مشکل چیست؟

سینا پدرام

توسعه‌نیافتگی سیستان و بلوچستان: نتیجه سیاست‌های

هدفمند یا بی‌کفایتی؟

میلا رسایی‌منش

جمهوری مرگ اسلامی می‌کشد، با گلوله یا مسمومیت

عطیه نیک‌نفس

زندگی در مقاومت زندانیان زنده است

سیما بهاری

”لوئی آرنو، شهروند فرانسوی که دو سال در زندان اوین محبوس بوده در نخستین مصاحبه رسانه‌ای خود پس از آزادی در بارهٔ بازداشت، حبس، و آزادی خود صحبت کرد.“

لوئی آرنو دو سال را در اوین گذرانده و حالا چند ماهی است که آزاد شده. او از شرایط بسیار سخت زندان می‌گوید و از شش ماهی که در انفرادی به سر برده. در ادامه از جمله به این نکته می‌پردازد که: ”هر زندانی تلاش می‌کند تا با توجه به قدرت، استقامت، و ظرفیت خود از این شکنجه‌ها جان

سالم به در ببرد. در چنین شرایطی هیچ روز آسانی وجود ندارد. هر ثانیه، دقیقه، و روزی مبارزه برای بقا محسوب می‌شود. این شرایط زندانی را در آستانه سقوط قرار می‌دهد.“

لوئی آرنو خیلی حرف برای گفتن دارد. بی‌گمان انقلاب ما از او به‌عنوان یک زندانی تشکر می‌کند که از تریبونی که مقابلش قرار گرفته این چنین افشاگری می‌کند. او این‌همه حرف دارد. احتمالاً کسانی چون زینب جلالیان و یا سعید ماسوری و یا بی‌شمار زندانیانی که سال‌های طولانی در زندان هستند و همان روزهای غیر آسان و خیلی سخت را سپری می‌کنند چقدر حرف برای گفتن دارند. از مقاومتشان، از امیدشان، از رؤیاهایشان و از

روزهایی که زمان را گم کرده‌اند و تنها صدای در گوششان این بوده که "تمام میشه این تاریکی" و همین باعث زنده ماندن و تحمل بیشترشان شده.

بی دلیل نیست که جامعه برای زندانیانی که این روزها مشعل انقلاب را در دست دارند و مرتباً آنرا شعله‌ور نگه می‌دارند، کلاه از سر بر می‌دارد و آنها را گرمی می‌دارد. بی جهت نیست که در اعتراض‌های مختلف شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به گوش می‌رسد. جامعه می‌داند و اگر بخشی از مردم نمی‌دانند، وظیفهٔ ماست که این افشاگری لوئی آرنوها را در سطح هر چه گسترده‌تر به میان مردم ببریم.

لویی آرنواز "در آستانه سقوط قرار گرفتن" زندانی
می گوید. اما آنچه برجسته است این وجه شورانگیز
زندگی و تلاش زندانیان است که از هر روزنه‌ای
هر چند کوچک، از درون زندان، ما آواز زندگی
و ترانه‌ رهایی را از دهان و گلوئی این پرنندگان
در قفس می‌شنویم. امروز حدود ۳۰ زندان ترانه
زنده‌باد زندگی را سرود می‌خواند. امروز دهها
زندانی از توقف اعدام می‌گویند.

فرار سرمایه‌ها، مشکل چیست؟

سینا پدرام

فاطمه مقصودون، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس گفته نوسانات نرخ ارز و کاهش قدرت خرید مردم فعالیت اقتصادی در ایران را فاقد توجیه اقتصادی کرده و خارجی‌ها ایران را ترک کردند. بازگشت ترامپ به کاخ سفید و گسترش تحریم‌ها نیز از دلایل خروج سرمایه از ایران مطرح شده اخیر است. با خروج "صافولاد" عربستان، اکنون خبر از خروج "فروشگاه‌های زنجیره‌ای هایپرستار" شنیده می‌شود.

در تحلیل‌ها عموماً معضل تحریم‌ها و عدم ورود

سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری‌های پایه‌ای در ایران، عقب‌ماندگی تکنولوژیک، رابطه با غرب و به‌ویژه آمریکا و غیره از دلایل اصلی وخامت اقتصادی محسوب می‌شود.

سرمایه‌داری سیستمی است که از طریق استثمار و تولید و بازتولید ارزش اضافی رشد کرده و به حیات خود ادامه می‌دهد. برای ورود سرمایه خارجی به کشوری با اقتصادی در ابعاد ایران "ثبات سیاسی"، "کارگزاران و خاموش" و اطمینان خاطر طولانی‌مدت از پایه‌ای‌ترین شروطی است که بدون وجودشان سرمایه‌داران رغبتی برای سرمایه‌گذاری نشان نمی‌دهند.

از منظر مردم، عدم سرمایه‌گذاری در کشور و به اعتبار آن عدم رشد صنعتی و تکنولوژیک با خانه‌خرابی، ورشکستگی، پایین‌رفتن رفاهیات و امکانات مادی همراه بوده و زندگی میلیون‌ها شهروند را به نابودی کشانده است. ارتقا و رشد رفاهیات مردم در گرو صرف ثروت اقتصادی که ماحصل نیروی کار کارگران است برای مردمی است که در تولید آن مشارکت داشته‌اند.

اینکه بعد از رژیم اسلامی چه امکانات اقتصادی واقعاً موجودی در اختیار مردم فرار خواهد گرفت قابل پیش‌بینی نیست. اما داشتن یک سیاست رفاهی حداکثری که تحت نظارت شوراهای مردمی و کارگری به اجرا گذاشته شود اولین اقدامی

است که باید بدون هیچ اغمازی موردنظر قرار بگیرد. ایران کشوری است با منابع طبیعی بسیار و نیروی کار میلیونی که امروز تمامی زحمات آنان از حساب‌های بانکی سرمایه‌داران و آیت‌الله‌های میلیاردی سر در می‌آورد. می‌توان به این تاریخ فقر فائده‌نقطه پایانی نهاد.

توسعه نیافتگی سیستان و بلوچستان:

نتیجه سیاست‌های هدفمند یا بی‌کفایتی؟

میلا در سایی منش

استان سیستان و بلوچستان، با تمامی پتانسیل‌های جغرافیایی و انسانی، همچنان در چرخه فقر و توسعه نیافتگی گرفتار است. این وضعیت نه تنها حاصل بی‌کفایتی و ناکارآمدی نظام مدیریتی جمهوری اسلامی است، بلکه شواهد و تحلیل‌های متعدد نشان می‌دهند که این شرایط ممکن است محصول سیاست‌های عمدی برای تداوم نابرابری باشد.

اظهارات مدیرکل نوسازی مدارس استان مبنی

بر نبود سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی در ۱۵۰۰ کلاس درس، گواه روشنی بر این ادعاست. نبود زیرساخت‌های آموزشی، فاصله محسوس سرانه آموزشی استان با میانگین کشوری، و آمار تکان‌دهنده ترک تحصیل دانش‌آموزان، به‌ویژه دختران، از نشانه‌های بحران عمیق در این منطقه است. این محرومیت‌ها به‌جای رفع، نسل به نسل ادامه یافته و فقر را به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی مردم این استان تبدیل کرده است.

گزارش‌های رسمی و حکومتی نشان می‌دهند که بیش از ۷۰ درصد بازماندگان از تحصیل در دهک‌های فقیر جامعه قرار دارند. این اعداد نشان‌دهنده یک سیستم اقتصادی و اجتماعی

است که به جای کاهش فاصله طبقاتی، آن را تعمیق می‌کند. سؤال اینجاست: آیا این محرومیت‌ها، از سر بی‌توجهی است یا بخشی از یک استراتژی برای حفظ کنترل سیاسی و جلوگیری از توانمندسازی مردم منطقه؟

سرنگونی این چرخه شوم نیازمند تغییرات بنیادین در ساختار قدرت و مدیریت کشور است. مادامی که جمهوری اسلامی با دید امنیتی و تبعیض آمیز به استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان نگاه کند، توسعه پایدار و عدالت اجتماعی در این منطقه دست‌نیافتنی خواهد بود.

جمهوری مرگ اسلامی می‌کشد،

با گلوله یا مسمومیت

عطیه نیک‌نفس

”رئیس اورژانس تهران از مسمومیت ۱۵ نفر با ”گاز نامشخص“ در یک تالار در افسریه و مسمومیت بیش از ۱۰۰ دانشجو در دانشگاه علوم پزشکی تهران خبر داد. این حادثه شامگاه جمعه، ۲۸ دی‌ماه رخ داده و ۱۵ نفر از مصدومان با چهار دستگاه آمبولانس به بیمارستان‌های ”بهارلو“ و ”فیروزآبادی“ منتقل شدند.

در همین حال روز گذشته مسمومیت بیش از ۱۰ دانشجو مستقر در خوابگاه ”نوفلاح“ و ”کوی

دانشگاه“ علوم پزشکی تهران رخ داده و حراست خوابگاه از خروج دانشجویان مسموم جلوگیری کرده و عنوان کرده است که برای خروج دانشجویان از خوابگاه، آمبولانس کوی دانشگاه باید حضور پیدا کند. تعداد دانشجویان مسموم شده به ۱۰۰ نفر افزایش پیدا کرده و کسی پاسخگوی این اتفاق نیست.“

این بار نیز جمهوری مرگ اسلامی کمر به قتل مردم با مسمومیت بسته است. در ایران تحت حاکمیت این رژیم تنها چیزی که هیچ ارزشی ندارد جان انسانهاست. در فقره این مسمومیت نیز که عمدی یا غیرعمدی بودن آن مشخص نیست با ناکارآمدی مسئولینی که بیشتر مزدور

هستند تا مسئول بازهم فاجعه‌ای به بار آمده.

تلاش جمهوری اسلامی در طی این سال‌ها ایجاد سرکوب و خفقان و کشتن مردم با هر نامی بوده است. یک روز با نرساندن واکسن به مردم، روز دیگر با نبود داروهای ضروری برای بیماران، یک روز با شلیک مستقیم در خیابان، روز دیگر با شکنجه در قتلگاه‌های رژیم و حالا باز با مسمومیت مردم.

چیزی که مسلم است این است که این رژیم اسلامی آدمکشان برای در قدرت ماندن فقط می‌کشد و نابود می‌کند. هیچ برنامه‌ای چه از نظر اقتصادی، چه در ابعاد دیگر برای جامعه ندارد.

فقر، فلاکت، مرگ و ناامیدی از سر و روی ایرانی
که در چنگ رژیم اسلامپست می‌چکد و این
رژیم بدون برنامه و مدیریت هر روز مردم را با
معضلات بیشتری درگیر می‌کند.

همه می‌دانیم که این رژیم ضدانسانی راهی جز
نابودی ندارد اما برای هر چه زودتر رسیدن به
این مهم باید هر چه بیشتر، متشکل و با برنامه
علیه این انسان‌کشی معترض شد. اعتراضات و
اعتصابات وسیع در جامعه راه‌اندازی کرد و هرچه
بیشتر راه نفس رژیم را بست. برای دیگر شاهد
نبودن این اخبار هولناک باید تلاشی بی‌بدیل
برای سرنگونی رژیم را هر روز ادامه داد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال